

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

شاید این بحث در ابتدای این مقال قدری تلخ باشد؛ ولی این تلخی است که اول به کام خود ریختم؛ دیدم راجع به ماه مبارک رمضان بسیار گفته‌ایم و شنیده‌ایم؛ ولی حقیقتاً بهره‌ی ما چیست؟ اهل این ماه شده‌ایم؟ اصلاً در ماه رمضان به سر می‌بریم؟! کسی که در ماه رمضان به سر می‌برد، آن ویژگی‌ها و صفاتی که برشمرده‌اند در او وجود دارد. اگر آن ویژگی‌ها را نداریم چگونه می‌گوییم وارد ماه رمضان شده‌ایم و آن را طی می‌کنیم؟ از خدا بخواهیم توفیق دهد ابتدا از وادی تخلیه‌ی رجبیه بگذریم و وجود خود را از آلودگی‌ها و هرچه غیرخداست، پاک کنیم؛ از وادی تخلیه‌ی شعبانیه گذر کنیم و خود را به آنچه خدایی است زینت دهیم تا بتوانیم وارد وادی تجلیه‌ی رمضانیه شویم و از جلوه‌های حضرت حق متمتع و بهره‌مند گردیم.

ان شاء الله این گفتن‌ها و شنیدن‌ها به ثمر برسد؛ هم گوینده آنچه را می‌گوید در وجود خود محقق کند و هم شنونده بهره‌ی عمیقی برد و به جایی برسیم که از گفتن و شنیدن بی‌نیاز شویم؛ گوینده به سکوت برسد و شنونده از باطن بشنود. آن سخنگوی باطنی همواره در حال سخن گفتن است؛ ولی هیاهویی که نفس در درون به پا کرده، اجازه‌ی شنیدن آن صدای لطیف را نمی‌دهد. اگر هیاهوی نفس تمام شود و به سکوت برسیم آن صدا شنیده خواهد شد.

ورود به ماه رمضان المبارک

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ، وَ يَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ: سلام بر تو ای برترین و بزرگترین ماه خدا و ای عید دوستان خدا. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ يَا خَيْرَ شَهْرٍ مِنَ الْأَيَّامِ<sup>۱</sup>: سلام بر تو ای بهترین زمان‌ها که همنشین ما می‌شوی؛ و سلام بر تو ای بهترین ماه‌ها در بین ایام سال. وقتی ماه مبارک رمضان فرامی‌رسد، وجود اولیاء الله یکپارچه شادی و شمع و نشاط می‌شود. عید اولیاء الله و ماه جشن و سرور است؛ ربیع القلوب و بهار دل‌هاست. آمد بهار دل‌ها ای شاخ تر به رقص آ.

فقط بشارت و مژده‌ی نزدیک شدن ماه مبارک رمضان، داغ و حسرت فراق ماه شعبان‌المعظم را تسکین می‌دهد. ماه شعبان با همه‌ی زیبایی‌ها و لطافت‌های عارفانه‌ی خود به پایان می‌رسد؛ ماهی بسیار دوست‌داشتنی و زیبا که با عطر دلاویز رسول خدا معطر است؛ ماه صلوات شعبانیّه و مناجات شعبانیّه، ماه صیام و قیام رسول الله در لیالی و ایام آن. حسرت گذشتن و طی شدن ایام این ماه، فقط با بشارت ورود به ماه مبارک رمضان قابل تحمل است. ماهی که پیغمبر اکرم بشارت نزدیک شدن آن را در آخرین جمعه‌ی ماه شعبان‌المعظم به مردم دادند. اگر مناجات زیبای شعبانیّه را از دست می‌دهیم، مناجات ابوحمزه‌ی ثمالی در سحرگاهان روح را می‌نوازد. اگر از صلوات شعبانیّه جدا می‌شویم، با دعاها و صلوات‌های فراوانی در روزهای ماه رمضان انس می‌گیریم. اگر شب‌های دلنشین ماه شعبان به پایان می‌رسد، شب‌های نورانی ماه مبارک رمضان را با دعای افتتاح و سایر مناجات‌ها و ادعیه پیشاروی داریم.

### کسب استعداد برای ورود به ماه خدا

بهره بردن انسان از فرصت‌های عبادی بسته به میزان معرفت اوست. **الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ**<sup>۲</sup>: نیکی به قدر شناخت است. هر چه انسان معرفت بلندتری داشته باشد، از عباداتش بهره‌های رشدآفرین

---

<sup>۱</sup>. امام سجّاد، صحیفه‌ی سجّادیه، ص ۱۹۸، دعای چهل و پنجم؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵؛ ص ۱۷۴؛ سیّدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۵۰. این دعای امام سجّاد در وداع ماه مبارک رمضان است. می‌دانید که عرب، هم در هنگام ملاقات و هم هنگام جدا شدن سلام می‌کنند.

<sup>۲</sup>. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶؛ شعیری، جامع‌الخبار، ص ۱۳۷.

بیشتری می‌برد. بدین لحاظ است که کسب معرفت از طریق مطالعه و شرکت در جلسات دینی، به منزله‌ی یک مراقبه‌ی عبادی، اهمیت و ضرورت می‌یابد.

در روایات تأکید شده است که این دعا را در روزهای پایانی ماه شعبان بسیار بخوانیم: **اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ عَفَرْتَ لَنَا فِي مَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفِرْ لَنَا فِي مَا بَقِيَ مِنْهُ**<sup>۳</sup>: خدایا اگر در آنچه از ماه شعبان بر ما گذشت؛ هنوز ما را نبخشیده‌ای و مشمول مغفرت و بخشایش تو قرار نگرفته‌ایم؛ در آنچه از این ماه باقی مانده است، ما را ببخش. اگر ساعاتی یا روزی باقی مانده است؛ خدایا در این فرصت باقیمانده ما را ببخش. بگذار ما پاک و مهذب و منزّه وارد میهمانی تو شویم<sup>۴</sup>.

وقتی می‌خواهیم به منزل دوستی یا بزرگی، به میهمانی برویم، قاعدتاً خود را تمیز و آراسته می‌کنیم و لباس تمیزی بر تن می‌کنیم تا وقتی به محضر آن میزبان عظیم‌القدر وارد می‌شویم، متناسب با فضای میهمانی او باشیم. حال می‌خواهیم وارد ضیافت الله شویم. خدا نکند بوی عفن گناه و معصیت از وجود ما ساطع باشد. خدا نکند پلشتی و آلودگی‌ها و کثافات معاصی، وجود ما را آلوده کرده باشد و با آلودگی وارد ضیافت الله و میهمانی الهی شویم. از فرصت باقیمانده‌ی ماه شعبان برای استغفار و توبه بهره بگیریم و خود را زیر باران رحمت الهی شستشو دهیم. **التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَ تَعْسِلُ الدُّنُوبَ**<sup>۵</sup>: توبه قلب‌ها را تطهیر می‌کند و گناهان را می‌شوید. از خدا بخواهیم اگر تا این لحظه مورد مغفرت الهی واقع نشده‌ایم، به برکت صاحب ماه شعبان که رسول ختمی است؛ ما را مشمول رحمت و مغفرت خود قرار دهد، تا با طهارت روح و قلب و جان، وارد ضیافت و میهمانی عظیم الهی شویم. خدایا ما با این آلودگی نمی‌توانیم وارد ضیافت تو شویم؛ خودت دست به کار شو. اگر در ماه شعبان با توبه روح و جانمان را

<sup>۳</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۷۳؛ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۹؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال بقیه‌ی ماه شعبان.

<sup>۴</sup>. یکی از نکات فقهی که مؤمنان در پایان ماه شعبان توجه دارند آن است که اگر هلال ماه رمضان دیده نشود، روز بعد، از روزهای ماه شعبان المعظم به شمار می‌آید و باید به نیت روز پایانی ماه شعبان روزه گرفت. اگر کسی روزه‌ی واجب، از قضا و کفاره به گردش باشد، به نیت آن روزه‌ی واجب، روزه می‌گیرد و اگر روزه‌ی واجبی برعهده ندارد، به نیت روزه‌ی مستحب. اگر در طول روز رؤیت هلال ماه مبارک رمضان مسلم شد، آن روز نخستین روز ماه مبارک رمضان به حساب خواهد آمد.

<sup>۵</sup>. آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۹۵؛ نوری، مستدرک، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

شستشو ندادیم، خودت در این باقیمانده‌ی ماه ما را پاک کن تا رویمان بشود در این مهمانی لطیف و دوست‌داشتنی الهی قدم بگذاریم. ان‌شاءالله خدای متعال به برکت اولیای خود توفیق دهد هنگام ورود به این ضیافت الله، مهمانان شایسته‌ای باشیم و حداکثر بهره را ببریم و آداب این مهمانی را رعایت کنیم و بیشترین عطایای خدا شامل حال ما شود. شکر این نعمت را نمی‌توان ادا کرد. همین‌که در حدّ فهم و معرفت خودمان درک کنیم که چه موقعیت فوق‌العاده‌ای نصیبمان شده کافی است؛ بیش از این از ما بر نمی‌آید.

### بهره‌مندی و اغتنام فرصت در ماه مبارک رمضان

یک لحظه از ماه رمضان برای رهیدن از هرچه غیر خداست و پیوستن به خدای متعال کفایت می‌کند. از درگاه الهی شرمنده‌ایم که چنین فرصت مغتنمی را برای این امت فراهم نمود؛ ولی ما در بهره بردن از آن بسیار تقصیر داریم. حقّ این ماه بزرگ را پیغمبر و اهل بیت علیهم‌السلام می‌شناختند و بس. ما با این همه غفلت و با این بت‌هایی که در دل جا داده‌ایم کجا و حقّ این ماه کجا! دعای زیبای پس از زیارت امام رضا چقدر مناسب حال ماست که چه ماه رمضان‌هایی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاریم و همچنان دست خالی ماندیم: **سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضِيَافَتِكَ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ؟** ای خدای من! ای سرور و آقای من! ای مولای من! مکرّر در مهمانی تو حاضر شدم. پس مرا از آنچه به مهمانان و درخواست‌کنندگان درگاهت وعده دادی، محروم نکن. مهمان هنری ندارد؛ همه‌ی هنرها از میزبان است. مهمان توشه‌ای با خود نمی‌آورد؛ فقط از پذیرایی صاحبخانه استفاده می‌کند. اگر غذایی با خود بیاورد توهین به صاحبخانه است؛ مهمانی رفتن دست‌خالی خوب است. امیرالمؤمنین نیز همین را روی کفن سلمان نوشتند:

**وَقَدْتُ عَلَى الْكَرِيمِ بَغِيرَ زَادٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَالْقَلْبِ السَّلِيمِ**

۶. محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای پس از زیارت امام رضا.

## وَ حَمَلُ الزَّادِ أَقْبَحُ كُلِّ شَيْءٍ إِذَا كَانَ الْوَفُودُ عَلَى الْكَرِيمِ<sup>۷</sup>

بدون هیچ زاد و توشه‌ای بر خدای کریم وارد شدم؛ نه عمل صالحی دارم و نه قلب سالمی که غیر خدا در آن نباشد. هیچ ندارم؛ زیرا توشه با خود بردن هنگامی که انسان بر شخص کریمی وارد می‌شود، زشت‌ترین کارهاست. هرچه نیاز داریم، آن کریم پیش از ورود ما به مهمانی آماده کرده است.

در دعای روز نخستین ماه رمضان آمده است؛ **اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ: خدایا روزهای مرا روزهای روزه‌داران راستین این ماه قرار بده. مبدا بهره‌ی من از روزه فقط تشنگی و گرسنگی باشد. وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ؛** و شب‌زنده‌داری‌های من و به نماز ایستادن من در دل شب و در دل سحر را فقط اعمال ظاهری قرار نده و مرا از نمازگزاران و شب‌زنده‌داران راستین و شایسته‌ی این ماه قرار ده. وَ نَهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ<sup>۸</sup>: خدایا مرا از خواب غفلت بیدار کن تا از این فرصت گرانبها بی‌بهره عبور نکنم و آن را از دست ندهم. خدا نکند این ماه بر ما بگذرد و تهیدست و بی‌نصیب آن را ترک کنیم.

زمان به سرعت می‌گذرد. **إِنَّ الْفُرْصَةَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ<sup>۹</sup>**: فرصت‌ها همچون ابر سریع و نامحسوس می‌گذرند؛ فرصت‌هایی که برگشتنی نیستند و شاید تکرارشدنی هم نباشند. بنا به آنچه در خطبه‌ی شعبانیه نقل شده است، پیغمبر اکرم فرمودند: **الْشَّقِيُّ مَنْ حَرَمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ<sup>۱۰</sup>**: کسی که در این ماه مشمول مغفرت و رحمت الهی واقع نشود، شقی است. این جمله بسیار ترس‌آور و هول‌انگیز است.

نکند در این ماهی که مغفرت از زمین و آسمان و در و دیوار می‌بارد، فرصت‌های مغفرت و رحمت را که خدای متعال برای میهمانانش تدارک دیده است از دست بدهیم؛ فرصت خلوت و مناجات و عبادت و بندگی را به رایگان و بی‌هیچ بهره و فایده‌ای ببازیم. بکوشیم از صیام و قیام این ماه، از تلاوت قرآن و

<sup>۷</sup>. خوئی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۶۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۷۶ (با تفاوت در کلمات).

<sup>۸</sup>. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۰۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۴؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای روز اول ماه رمضان.

<sup>۹</sup>. آمدی، غرر الحکم، ص ۴۷۳.

<sup>۱۰</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

ادعیه و مناجات و نمازها و اذکار این ماه، ماهی که مشحون از عبادات و مراقبات عبادی است، نهایت بهره را ببریم و از غفلت و نفسانیت خلاص شویم.

ماه مبارک رمضان چنین فرصت مغتنمی است. بنا به روایات پیغمبر اکرم معمولاً دهه‌ی آخر این ماه را در مسجدالنبی معتکف می‌شدند. پیغمبر اکرم که گرد عالم کثرت به دامنشان ننشسته بود همه‌ی ارتباطات را قطع می‌کردند، خلوت می‌گزیدند و حتی برای دیدار امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا به منزل نمی‌رفتند. ده روز تمام را برای یک خلوت کامل با خدای متعال در مسجد به‌سر می‌بردند. این نکته ما را به عظمت موضوع رهنمون کند و ماه مبارک رمضان را فرصت مغتنمی برای خلوت با خداوند بدانیم.

البته همه‌ی ما یک سری اشتغالات خاص داریم و بالاخره هرکس ناگزیر است سر کار اداری یا کسب و تولید و کشاورزی... برود و ساعاتی را مشغول باشد؛ یا کسی که محصل و دانشجویست ساعاتی را سر کلاس درس باشد. باین حال برای هرکس ساعات فراغت هم وجود دارد که معمولاً این وقت‌ها را با دیگران می‌گذرانند. بکوشیم در ماه مبارک بخش عمده‌ی این اوقات را در خلوت تنهایی بین خود و خدایمان بگذرانیم؛ گرچه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنا به آنچه در خطبه‌ی شعبانیه نقل شده به صله‌ی ارحام و اکرام ایتام در ماه رمضان تشویق کردند. خلوت به‌معنای انزواطلبی مطلق نیست؛ اما بخش قابل توجهی از اوقاتمان را برای تنها با خدا بودن اختصاص دهیم. تا حد امکان روابطمان را با مردم کاهش دهیم و برای ارتباط با خدا، برای با خدا بودن و با خدا خلوت کردن وقت بگذاریم. شاید در ماه‌های دیگر این فرصت پیش نیاید و آن خلوت‌ها آن‌چنان سازندگی هم نداشته باشد. ما معمولاً غرق دیگرانیم و وقت تنهایی کم داریم؛ یا مشغول فعالیت‌های شغلی و تحصیلی و امثال آن هستیم یا مشغول مراودات اجتماعی و آمدوشدها؛ با این رفیق بنشینیم با آن فامیل رفت‌وآمد کنیم؛ با آشنا؛ با غریبه... و در این میان برای تنهایی و خلوت هیچ وقتی نمی‌ماند. خلوت یکی از پنج اصل بسیار مهم در سلوک است.

صمت و جوع و سهر و خلوت و ذکر به مدام      ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

صمت یعنی سکوت؛ جوع گرسنگی؛ و سَهَر یعنی شب‌زنده‌داری؛ خلوت، خلوت با محبوب است؛ و ذکری به مدام یعنی همواره به یاد محبوب بودن. ماه رمضان چه فرصت مناسبی برای این پنج اصل است. صمت یعنی کم حرف بزنیم؛ جوع همان روزه است؛ یعنی کم بخوریم. سهر و شب‌زنده‌داری در ماه رمضان بسیار ممکن است و به‌رحال برای سحری خوردن بیدار می‌شویم. فرصت خلوت را هم برای خود فراهم کنیم. ذکری به مدام یعنی سعی کنیم دائماً دلمان به یاد خدا باشد. ناتمامان جهان را کند این پنج تمام! بکوشیم از فرصت ماه رمضان برای خلوت‌های انس با خدای متعال بیشتر بهره ببریم. فرصت‌ها به‌سهولت و سرعت طی می‌شود و اگر عمری باقی باشد، زمانی نخواهد گذشت که خواهیم دید ماه مبارک به پایان رسیده است. مبدا دست خالی از این ماه بزرگ الهی، ماه تلاش و کوشش سالکان الی الله و ماه نهایت مجاهدت اولیای الهی، بیرون بیاییم. خدا نکند این لحظات و ساعات گرانبها را که می‌توان با آن مراتب بلند کمال را تحصیل کرد و ثواب‌های عظیم الهی را به‌دست آورد، با بطلالت و تنبلی و بی‌عملی بگذرانیم. معلوم نیست این لحظاتی و آناتی که نصیب ما شده است تکرار شود. سن هیچ تضمینی نمی‌کند که اگر کسی نوجوان یا جوان یا میانسال است، پس هنوز فرصت دارد و مرگ به او نزدیک نیست. مرگ در هر سنی به‌سوی انسان‌ها می‌آید و آنها را می‌برد. هیچ تضمینی وجود ندارد که بتوانیم ماه مبارک آینده را درک کنیم. شاید این آخرین فرصت ما برای بهره‌مندی از چنین موقعیت ویژه و فوق‌العاده‌ی الهی باشد. نگذاریم ثانیه‌ای از این روزها و شب‌ها به غفلت یا خدای ناکرده به معصیت طی شود. به توصیه‌ی امام سجّاد تمام همّت خود را بسیج کنیم تا از لحظه لحظه‌ی این روز و شب‌ها بهره ببریم. به‌جای نشستن پای تلویزیون و گفتگوهای بعد از افطار با دعا و مناجات و تلاوت قرآن روح و جان خود را لطافت بخشیم. بالاتر از این چیست که خواندن یک آیه‌ی قرآن، یک بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، در این ماه معادل یک ختم قرآن تأثیر و سازندگی دارد، چرا این زبان را بیکار رها کنیم؟ یا خدای ناکرده مشغول سخنان لغو و بدتر از آن مشغول غیبت و تهمت و امثال اینها شویم؟ این روزهایی که برای هر ثانیه‌ی آن، معادلی در عالم یافت نمی‌شود و به هیچ قیمتی نمی‌شود آن را خرید، چه آسان و چه ارزان از دست ما می‌رود. ماه مبارک رمضان ماه بسیار

عظیمی است و جا دارد که تأمل و آگاهی و توجّه، همراه لحظه لحظه‌ی این ماه باشد تا انسان قدر آن را بشناسد و آن را به ثمن بخش از دست ندهد.

ماه رمضان در بُعد عبادی فردی، ماه نماز است؛ ماه روزه، ماه دعا و مناجات و توبه و استغفار است؛ ماه سحرخیزی و تهجد در دل سحر است؛ ماه تلاوت قرآن است؛ اینها اعمالی است که در خلوت موفق می‌شویم. در بعد اجتماعی، ماه خیرخواهی و آرزوی خیر برای خلق خدا و تلاش در جهت کمک به خلق است؛ ماه گام برداشتن برای رفع نیاز حاجتمندان است که دعاهای ماه مبارک رمضان و روایات معصومین بسیار زیبا به ما می‌آموزد. امام صادق علیه السلام فرمودند: یکی از حکمت‌های ماه مبارک رمضان و روزه‌ی این ماه، آن است که اغنیاء و کسانی که از امکاناتی برخوردارند، طعم گرسنگی و محرومیت محرومان را بچشند و آنگاه درصدد برآیند تا برای رفع محرومیت آنان گامی بردارند.<sup>۱۱</sup> ماه عظیمی است که باید از آن توشه برداشت؛ چه در حالات معنوی، چه در توفیقات عملی و عبادات و چه در حوزه‌ی حسن معاشرت با خلق و دستگیری از نیازمندان و مهر و عطوفت با ایتم و درماندگان.

یکی از دعاهایی که بعد از نمازهای ماه مبارک می‌خوانیم، دعا برای دیگران است؛ برای اهل قبور طلب سرور می‌کنیم؛ برای گرسنگان و تشنگان طلب آب و غذا می‌کنیم؛ برای برهنگان طلب جامه و کسوت می‌کنیم؛ برای بیماران طلب شفا و سلامتی می‌کنیم؛ برای اسرا طلب آزادی و رهایی می‌کنیم؛ برای گرفتاران و افرادی که وضع خوبی ندارند طلب گشایش می‌کنیم. عبارات زیبای این دعا که امید است به خواندن آن موفق باشیم، آموزشی است برای اینکه در این جهت قدم برداریم.

### اهل ماه رمضان باشیم

---

<sup>۱۱</sup>. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲۷۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشّیعه، ج ۱۰، ص ۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱.



میهمان شهر الله در دعای این ماه به خدای متعال می گوید: **اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ وَ**  
**وَفَّقْتَنَا بِمَنَّاكَ لَهُ<sup>۱۲</sup>!** خدایا ما اهل این ماهیم؛ ماهی که ما را به آن شرافت بخشیدی و با منت و لطف خود  
به داشتن چنین ماهی در ایام سال موقت کردی. در این تعبیر که خدایا ما اهل این ماهیم، تأمل کنیم.  
اهل این ماه یعنی چه؟! آیا ما اهلیت داریم؟ واقعاً اهل این ماهیم؟ کسی ممکن است با این ماه برخورد  
کند؛ دیگری در کنار این ماه زندگی کند و مصاحب این ماه و از اصحاب آن باشد؛ اما کسی که  
می گوید خدایا ما اهل این ماهیم، یعنی اهلیت داریم.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اصحاب زیاد داشتند؛ اما در اصحاب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منافق هم کم نبود. اصحاب  
غیر از اهل است؛ پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهل بیته دارد که حسابشان کاملاً از اصحاب متمایز است. بهشت و  
دوزخ نیز این گونه است؛ هم اصحاب الجنّة داریم، هم اهل الجنّة؛ هم اصحاب النار داریم، هم اهل النار؛  
اصحاب با اهل فرق می کند. در این دعا حرف بسیار بزرگی می زنیم! آیا به راستی ما اهل این ماهیم؟!  
چه بسا ماه شوال برسد، نماز عید فطر را هم بخوانند و ما هنوز وارد ماه مبارک رمضان نشده باشیم!  
وارد شهر الله الاکبر، شهر الصیام، شهر الاسلام، شهر الطهور، شهر التّمحیص، شهر القیام، شهر الانابه،  
شهر التّوبه، شهر المغفرة، شهر الرّحمة، شهر العتق من النار و الفوز بالجنّة نشده باشیم!

آیا ما می توانیم این ادعای بزرگ را بکنیم که **إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ**؟! هر خصوصیتی را برای زمانی  
گفته اند؛ اما ممکن است کسی در آن زمان باشد و واجد آن خصوصیت نباشد. یک ماه رمضان مربوط  
به عالم بیرون و جهان آفاق است؛ اما بهره ی من از این ماه رمضان کجاست؟ بارها گفته ایم که از منظر  
عرفان هرچه در جهان بیرون وجود دارد، مقارن آن در جهان درون هم موجود است. این دو عالم  
صغیر و کبیر نسخه ی مطابق هم هستند. پس اگر ماه رضانی در عالم خارج و جهان آفاق وجود دارد،  
یک ماه رمضان هم در عالم درون و جهان انفس باید باشد. آیا من در جهان درون خود وارد ماه رمضان

<sup>۱۲</sup>. امام سجّاد، صحیفه ی سجّادیه، دعای چهل و پنجم؛ سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۵۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص

شدم؟! آیا ماه رمضان در سیر روحی من فرارسید؟ در مباحث ماه رجب گفته‌ایم سالک سه مرحله را در سیر باطنی طی می‌کند. در تقویم و در عالم بیرون سال‌های پی‌درپی ماه رجب می‌آید، سپس ماه شعبان و ماه رمضان می‌رسد و تمام می‌شود. آیا من وارد ماه رجب شدم؟ تقویم باطنی خود را نگاه کنم؛ از تقویم زمانی چه بهره‌ای بردم؟! اکنون که در ماه رمضانیم، اصلاً وارد ماه رجب شده‌ام و آن را طی کرده‌ام؟ ماه شعبان را طی کرده‌ام؟ واقعاً ما وارد ماه رمضان سیر باطنیمان شده‌ایم؟ کجا به سر می‌بریم!؟

یک قرینه عرض می‌کنم تا بدانیم این حرف‌ها شعر نیست! در دعای روزهای ماه مبارک رمضان مفاتیح الجنان یک فراز این است: **وَفَقَنِي فِيهِ لِلَّيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَ أَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**<sup>۱۳</sup>: خدایا مرا موقّق کن به لیلۃ القدر در برترین و پسندیده‌ترین حالی که دوست داری یکی از اولیاء تو در آن حال باشد؛ سپس آن را برای من بهتر از هزار ماه بگردان. اگر لیلۃ القدر فقط بیرونی باشد، مگر قرآن نفرمود **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**<sup>۱۴</sup>: شب قدر برتر از هزار ماه است. خداوند این را قرار داده است؛ چگونه این دعاکننده می‌گوید: **اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**: خدایا آن را برای من بهتر از هزار ماه قرار بده؟! اگر خودبه‌خود هست، پس چرا دعا می‌کند؟ معلوم می‌شود اینجا سخن از لیلۃ القدر عالم بیرون نیست؛ لیلۃ القدر عالم درون است. از خدا می‌خواهد او را به دستیابی لیلۃ القدر درون خود، در بهترین حالاتی که برای اولیاء دوست دارد و می‌پسندد، موقّق کند و این لیلۃ القدر درونی را بهتر از هزار ماه قرار دهد. لیلۃ القدر هرکس یک زمان فرامی‌رسد. لیلۃ القدر من غیر از لیلۃ القدر ولی اعظم خداست. البتّه حجّت خدا لیلۃ القدری دارد؛ امّا لیلۃ

---

<sup>۱۳</sup>. سیّد بن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۰۲؛ محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال روزهای ماه رمضان.

<sup>۱۴</sup>. سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۳.

القدر من کو؟! آیا من به ليله‌ای در باطنم رسیدم که **خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** باشد؟ می‌گوید: **ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي**؛ برای من آن را بهتر از هزار ماه قرار ده! پس ممکن است ليلة القدر در عالم زمان بیاید و هنوز ليلة القدر من نرسیده باشد. به این لحاظ است که باید ببینیم اصلاً وارد ماه رمضان شده‌ایم یا نه؟! ماه رمضان من، ماه رمضان شما، نه ماه رمضان عالم طبیعت! کجاییم ما؟! بنابراین وقتی می‌گوییم: **اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ**: خدایا ما اهل این ماهیم، ماه خالص شدن، ماه تسلیم مطلق حق بودن، ماه طهارت مطلق از ماسوی الله داشتن، این ماه کجاست؟ آیا وارد چنین ماهی شده‌ایم؟! در دستگاه خدا ادعا خریدار ندارد؛ حقیقت کجاست؟ مگر نفرمود: **أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُرَكَّبُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ**<sup>۱۵</sup>: آیا مردم می‌پندارند به صرف اینکه بگویند ما ایمان آوردیم از ایشان قبول می‌کنیم و آنها را محک نمی‌زنیم؟! مگر نفرمود: **لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ**؛ کثیر مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ **تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**<sup>۱۶</sup>: چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ خشم خدا بالا گرفت از آنچه می‌گویید و عمل نمی‌کنید. **اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ**<sup>۱۷</sup>: آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خود را فراموش می‌کنید؟! امیرالمؤمنین ع فرمودند: **لَا يُخْدَعُ اللَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لَا تُنَالُ مَرْضَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ**<sup>۱۸</sup>؛ خداوند در مورد بهشتش فریب کسی را نمی‌خورد و به رضایت و رضوان الهی نمی‌توان رسید، مگر از رهگذر طاعت او. خدا نه از فرد، و نه از جامعه ادعا نمی‌خرد! وقتی زندگی و رفتارت با این ادعا در تعارض است، می‌گوید آثار عملیش در زندگی تو کجاست؟! می‌گویی مؤمنم؟ آثار ایمانت کو؟! می‌گویی مسلمم؟ آثار تسلیمت کو؟! مثل داستان آن شتر:

آن یکی پرسید اشتر را که هی از کجا می‌آیی ای فرخنده پی؟  
گفت از حمام گرم کوی تو  
گفت خود پیداست در زانوی تو!

<sup>۱۵</sup>. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۲.

<sup>۱۶</sup>. سوره‌ی صف، آیات ۲ و ۳.

<sup>۱۷</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۴.

<sup>۱۸</sup> شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۹، ص ۱۸۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۸۹.

زانوی پینه‌بسته‌ات خوب نشان می‌دهد که به‌راستی از حمام گرم کوی من می‌آیی!! اینکه من بنشینم پیوسته سخن بگویم و قلم بزنم، اثری در زندگی می‌گذارد؟! زندگی من بویی از این حقایق گرفت؟! عمل من با این سخنان هماهنگی دارد؟ خدا آثار عملی ادعاهای ایمانی ما را می‌خواهد؛ هم از فرد، هم از جامعه. از جامعه و حکومت هم به صرف اینکه ادعا کند من اسلامی و ایمانی و علوی و چنین و چنان هستم نمی‌پذیرد. می‌گوید آثارش کو؟ ادعای خلافت رسول الله ﷺ را داری؛ آثارش کو؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) را کنار زدی و جانشین رسول الله ﷺ شدی، رسول الله ﷺ چگونه حکومت را اداره می‌کرد، حکومت تو همان‌گونه است؟! خود را امیرالمؤمنین یزیدین معاویه می‌نامی؛ آثار امیرالمؤمنینی تو کجاست؟

این همان فرمایش اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در زمان حکومت معاویه در منی بین عده‌ای از روشنفکران و اهل فکر است که برای مراسم حجّ مشرفّ بودند. حضرت در آن سخنرانی عجیب در زمان حکومت معاویه قیام خود را مطرح کردند و فرمودند: ما می‌خواهیم آثار عملی حکومت اسلامی را به جامعه برگردانیم. معاویه مدعی خلافت و حکومت اسلامی است؛ ولی آثارش کو؟! فرمودند: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا الْيَمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ: خدایا تو خوب می‌دانی قیامی که ما در پیش داریم نه رقابت بر سر پست و مقام است و نه برای کسب دنیای بیشتر. نمی‌خواهیم جیب‌هایمان را پر کنیم و رانت‌خواری کنیم؛ از موقعیت‌های حکومتی و پست و مقام دولتی در حکومت اسلامی سوءاستفاده کنیم و برای خود آلف و الوف جمع کنیم. نمی‌خواهیم به قدرت برسیم و جاه‌طلبی خود را ارضا کنیم. **وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ**<sup>۱۹</sup>: ولیکن قیام می‌کنیم تا آثار دین تو را به جامعه برگردانیم و صلاح را در سرزمین‌های تو حاکم کنیم. سیمای جامعه سیمای دین شود، سیمای تقوا و عفت و پاکدامنی و حجاب و حیا شود. می‌خواهیم فساد را همه‌جا را فراگرفته ریشه‌کن کنیم. خدا ادعای اسلامی بودن را از فرد نمی‌پذیرد، مگر اینکه با عمل**

<sup>۱۹</sup>. شریف رضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۱، ص ۱۸۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۱۱۱.

تلفیق شود؛ از حکومت‌ها و نظام‌ها نیز نمی‌پذیرد، مگر اینکه در عمل تصدیق شود. والا مگر ادعای خلافت رسول الله را نکردند؟! مگر معاویه و یزید به نام امیرالمؤمنین خطبه نمی‌خواندند؟! آنچه خدا می‌پذیرد ادعایی است که آثار عملی داشته باشد؛ چه در فرد، چه در نظام‌های حکومتی و اجتماعی. جامعه‌ای می‌تواند خود را اسلامی بنامد که آثار اسلام در آن دیده شود. بنابراین باید ببینیم ما چگونه هستیم؛ آیا واقعاً می‌توانیم بگوییم: **اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ**؛ برای این ماه طهور اهلیت داریم؟ اندکی بیندیشیم. در خود بازنگری کنیم و به آنچه در عظمت این ماه گفته شده غره نشویم. ببینیم بهره‌ی ما از این همه عظمت چیست؟ وقتی ماه مبارک رمضان فرامی‌رسد، بت‌پرستان و کفار و مشرکان و ماتریالیست‌ها و ملحدان هم به‌لحاظ زمانی در این ماه قرار می‌گیرند؛ اما بهره‌ی آنها چیست؟ پس هر که از نظر تاریخ بیرونی به ماه رمضان وارد شد از آن بهره ندارد؛ باید ماه رمضان درونش فرارسد و **أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ** شود. اگر این‌گونه شد همه‌ی عظمت‌های این ماه برایش محقق است. عبادتش مقبول و دعایش مستجاب و خواش عبادت و نفسش تسبیح است.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ**